

## The Economic Responsibility of the Government with an Emphasis on the Welfare of Citizens from the Point of View of Jurisprudence and Law

Zahra Montazeri<sup>1\*</sup>, Zari Firouzkah<sup>2</sup>, Sara Rostami<sup>3</sup>

1. Assistant Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Member of the Faculty of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1-20

Article history:

Received: 10 Nov 2022

Edition: 4 Jan 2023

Accepted: 21 Feb 2023

Published online: 1 Jul 2023

### Keywords:

Economic Responsibility, Islamic Government, Welfare of Citizens

### Corresponding Author:

Zahra Montazeri

### Address:

Iran, Tehran, Payam Noor University, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

### Orchid Code:

0000-0002-9908-5061

### Tel:

09124183126

### Email:

z.montazeri@pnu.ac.ir

### ABSTRACT

**Context and Purpose:** In the explanation and duties and responsibilities of the Islamic state, it is mainly mentioned about providing spiritual needs, and the responsibility and obligations of the Islamic state in providing the welfare of the citizens is one of the important issues that has not been discussed much. In this paper, an attempt has been made to examine the economic responsibility of the government and its obligations in providing public welfare.

**Materials and Methods:** This paper is descriptive and analytical and library method is used.

**Ethical Considerations:** In this paper, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

**Findings:** The findings indicate that from the jurisprudential and legal point of view, the Islamic state has responsibility for production, creating work and employment, fighting economic corruption and preventing disruption of economic order, economic justice, regulating the market and preventing hoarding, and the Islamic state should take steps to ensure the well-being of the citizens in realizing the social security of the citizens, social justice, food security, education of the citizens, provision of appropriate services and the right to benefit from a healthy environment.

**Conclusion:** Considering the duties and responsibilities of the government in the field of economy and providing the welfare of citizens, it is necessary to define and formulate macro-economic and social policies in order to meet the economic needs and provide the welfare of citizens.

### Cite this article as:

Montazeri Z, Firouzkah Z, Rostami S. The Economic Responsibility of the Government with an Emphasis on the Welfare of Citizens from the Point of View of Jurisprudence and Law. Economic Jurisprudence Studies. 2023.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

### مسئولیت اقتصادی دولت با تأکید بر تأمین رفاه شهروندان از منظر فقه و حقوق

زهرا منتظری<sup>۱\*</sup>، زری فیروزگاه<sup>۲</sup>، سارا رستمی<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. عضو هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** در تبیین وظایف و مسئولیت دولت اسلامی عمدتاً از تأمین نیازهای معنوی سخن به میان آمده و مسئولیت و تعهدات دولت اسلامی در تأمین رفاه شهروندان از موضوعات مهمی است که چندان مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش شده به بررسی مسئولیت اقتصادی دولت و تعهدات آن در تأمین رفاه عمومی پرداخته شود.

**مواد و روش‌ها:** مقاله چون توصیفی تحلیلی است و از روش دلفی و پرسش نامه و مصاحبه استفاده نشده لذا برای جمع آوری داده از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** بر این امر دلالت دارد که از منظر فقهی و حقوقی دولت اسلامی در زمینه اقتصادی، در قبال تولید، ایجاد کار و اشتغال، مبارزه با فساد اقتصادی و ممانعت از اختلال در نظم اقتصادی، عدالت اقتصادی، تنظیم بازار و جلوگیری از احتکار مسئولیت داشته و موظف است، در راستای تأمین رفاه شهروندان در تحقق امنیت اجتماعی شهروندان، عدالت اجتماعی، امنیت غذایی، آموزش شهروندان، ارائه خدمات مناسب و حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم گام بردارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به وظایف و مسئولیت دولت در حوزه اقتصاد و تأمین رفاه شهروندان لازم است سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی در راستای تأمین نیازهای اقتصادی و تأمین رفاه شهروندان تعریف و تدوین شود.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۲۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

#### واژگان کلیدی:

مسئولیت اقتصادی، دولت اسلامی، رفاه شهروندان

#### نویسنده مسئول:

زهرا منتظری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۴۱۸۳۱۲۶

کد ارکید:

0000-0002-9908-5061

پست الکترونیک:

z.montazeri@pnu.ac.ir

## ۱. مقدمه

از آنجایی که دین اسلام ناظر به تبیین احکام شریعت نسبت به تمام مسائل حیات و زندگی انسان است در ابتدا این واقعیت را که در جامعه اسلامی باید حکومتی وجود داشته باشد قطعی تلقی نموده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۱۵۶). چون برای فعلیت بخشیدن به اهداف عالیه خویش در زمینه‌های مختلف، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازمند وجود دولت است. به گونه‌ای که وجود دولت و تشکیل حکومت را ضروری دانسته و آن را به فطرت انسان نیز نسبت می‌دهد. علامه طباطبایی با استناد به سوره روم آیه ۳۰ که خداوند در آن می‌فرماید: «پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور درحالی‌که از همه کیش‌ها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، ولیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند» در توضیح اثبات دولت می‌گوید: فطری بودن نیاز به تشکیلات حکومتی به حدی بود که وقتی پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه دست به ایجاد دولت اسلامی زد. مردم با وجود سؤالاتی در زمینه‌های مختلف در مورد تشکیل دولت هیچ گونه سؤالی مطرح نمودند و بر ایشان شفاف بود (طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ۲۸۳). دولت اسلامی دارای وظایف متعددی است. موضوع مورد بحث در مقاله حاضر، مسئولیت اقتصادی دولت با تأکید بر تأمین رفاه شهروندان از منظر فقه و حقوق است. در واقع، در این مقاله تلاش شده به بررسی مسئولیت اقتصادی دولت با تأکید بر تأمین رفاه شهروندان از منظر فقه و حقوق پرداخته شود. در خصوص دولت اسلامی پژوهش‌های متعددی

انجام شده است: علی شیخی مهرآبادی، در مقاله‌ای به بررسی نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پرداخته است. مطابق نتایج مقاله مورد اشاره، طبق اصل سوم بند سوم، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه مردم در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی به منظور دستیابی به اهداف مطرح شده در اصل دوم، از وظایف دولت می‌باشد. بند دوم اصل چهل و سوم، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره، یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاصی منتهی شود و نه دولت را به صورت کارفرمای بزرگ مطلق درآورد (شیخی مهرآبادی، ۱۳۸۶). عباس مصلی‌نژاد نیز در مقاله‌ای سیاست‌گذاری اقتصادی و مسئولیت اجتماعی دولت را بررسی کرده است. بر اساس نتایج مقاله مورد اشاره، از آنجا که مسئولیت اجتماعی دولت در حوزه‌های مختلف وجود دارد؛ بنابراین، سیاست‌گذاری اقتصادی باید در ارتباط با موضوعاتی همانند حقوق اجتماعی، بهداشت، سلامت، فعالیت بخش خصوصی و نقش شرکت‌ها در توسعه اقتصادی انجام پذیرد. هر یک از حوزه‌های یاد شده بخشی از فرآیند مسئولیت اجتماعی و سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها را شامل می‌شود. بنابراین، دولتی می‌تواند مسئولیت بیشتری در حوزه اجتماعی عهده‌دار شود که اولاً، از قابلیت‌های زیرساختی برخوردار باشد؛ ثانیاً، بتواند از قابلیت‌های خود در ارتباط با مسئولیت اجتماعی‌اش در برابر جامعه و ساختار قدرت در کشور استفاده کند. درباره مسئولیت اجتماعی

#### ۴. یافته‌ها

بر این امر دلالت دارد که از منظر فقهی و حقوقی دولت اسلامی در زمینه اقتصادی، در قبال تولید، ایجاد کار و اشتغال، مبارزه با فساد اقتصادی و ممانعت از اختلال در نظم اقتصادی، عدالت اقتصادی، تنظیم بازار و جلوگیری از احتکار مسئولیت داشته و موظف است، در راستای تأمین رفاه شهروندان در تحقق امنیت اجتماعی شهروندان، عدالت اجتماعی، امنیت غذایی، آموزش شهروندان، ارائه خدمات مناسب و حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم گام بردارد.

#### ۵. بحث

##### ۵-۱. مسئولیت اقتصادی دولت از منظر فقه

##### و حقوق

##### ۵-۱-۱. تسهیل شرایط کار و تولید

نخستین نقش دولت و حکومت اسلامی عبارت است از تسهیل شرایط بخش خصوصی برای کار و تولید و کمک به افراد برای بهره‌برداری از توانمندی‌های ذاتی، خود و همکاری با یکدیگر برای بهبود اوضاع مادی‌شان و قادر ساختن آنان برافزایش تولید و رفاه خود و همچنین بر دستیابی به نتایج فعالیت‌های اقتصادی‌شان؛ بنابراین دولت در نظام اقتصادی اسلامی دولتی سلبی نیست که فقط به امور اداری و سیاسی بپردازد؛ بلکه دولتی فعال و حاضر در عرصه اقتصادی است. دولت، فعالیت و حضورش را در خدمت افراد و کمک به آنها در انجام مسئولیت تولید و توسعه قرار می‌دهد و آنها را در این امر کمک و پشتیبانی می‌کند و افزون بر این از حقوق آنها و درآمدها و سودهایی که در خلال فعالیت‌های اقتصادی‌شان

دولت در برابر گروه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظریات مختلف ارائه شده است. مسئولیت اجتماعی دولت‌ها بیانگر چگونگی حمایت آنان از سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها و گروه‌های اجتماعی است. عوامل مختلف می‌توانند بر چگونگی و روند مسئولیت اجتماعی دولت در برابر بخش خصوصی تاثیرگذار باشند. از جمله این عوامل و مولفه‌ها می‌توان به نقش موضوعات سیاسی، مولفه‌های رقابتی، عوامل اخلاقی و قانونی اشاره داشت. مسئولیت اجتماعی دولت ایجاب می‌کند تا بستر تحرک گروه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی را فراهم آورده و بخشی از وظایف دولت در حوزه عمومی به آنان واگذار شود (مصلی نژاد، ۱۳۹۱). در مقاله حاضر اما به بررسی این سؤال مهم پرداخته می‌شود که از منظر فقه و حقوق، مسئولیت اقتصادی دولت و تعهدات دولت در قبال رفاه شهروندان چیست؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا به بررسی مسئولیت اقتصادی دولت پرداخته شده و در ادامه از وظایف دولت در تأمین رفاه شهروندان بحث شده است.

#### ۲. مواد و روش‌ها

مقاله چون توصیفی تحلیلی است و از روش دلفی و پرسش نامه و مصاحبه استفاده نشده لذا برای جمع آوری داده از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

#### ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

وی را کیفر کن» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ۴۲۹؛ فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ج ۵، ۱۰۱۷). پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «محتکر از رحمت خدا به دور است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۶۵). و «کسی که در بازار ما دست به احتکار زند به منزله کسی است که کتاب خدا را انکار کند» (پابنده، ۱۳۸۲، ۴۳۲). امیر مؤمنان علیه‌السلام در نامه به مالک احتکار را ننگ برای جامعه اسلامی و حاکمان و والیان آن می‌خواند (دستی، ۱۳۷۹، ۴۳۵) و مبارزه با آن را فریضه‌ای از رسول خدا (ص) می‌دانست؛ «پس از آن که احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی بازهم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد ولی کار به اسراف نکشد» (دستی، ۱۳۷۹، ۵۳). امروزه نوسانات اقتصادی به تحریم‌های اقتصادی باعث شده کالاهایی در سطح جامعه کمیاب شود. همین امر باعث نوعی خشونت اقتصادی در جامعه می‌شود.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا احتکار به وسیله نگهداری هرگونه طعام و مواد غذایی مورد نیاز مردم تحقق می‌یابد یا اختصاص به مواد غذایی خاصی دارد؟ جواب آن است که؛ به نظر مشهور (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۴۱۰)، فقیهان امامیه کالاهایی که احتکار در مورد آن‌ها صادق است عبارت‌اند از: گندم، جو، خرما، کشمش که غلات چهارگانه معروف هستند و نیز روغن حیوانی نه نباتی). مستند گفته مشهور روایت غیاث بن ابراهیم از امام صادق (علیه‌السلام) می‌باشد غیاث بن ابراهیم عن ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) قال: لیسَ الحکرَةُ الا فی الحنطَةَ والشعیر والتمر والزبیب والسَمَن (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۴۲۵)؛ احتکار فقط در گندم، جو، خرما، کشمش و روغن حیوانی می‌باشد. ملاک برای

به دست می‌آورند نیز حمایت می‌کند (شفیع زاده، ۱۳۷۳، ۱۸۷). حضرت علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: «هنگام خشک‌سالی و رکود از میزان خراج بکاه و از این کار نگران نباش؛ زیرا [در دوره‌های بعدی] افزایش درآمد مردم و رونق اقتصاد می‌شود، و والی می‌تواند پس از بهبود، دوباره میزان خراج را افزایش دهد» (سیدرضی، ۱۴۱۴، نامه ۲۶). عمر بن عبدالعزیز از خلفای بنی امیه نیز در نامه‌ای به یکی از والیانش می‌نویسد: «نگاه کن پیش از تو چه زمین‌هایی کشت نشده است؛ پس برای کشت آن‌ها را به افراد واگذار تا به حد مالیات دهی برسد و اگر کشت نشد، کمک کن و اگر بازهم کشت نشد از بیت‌المال مسلمانان برای کشت آن هزینه کن» (صدر، ۱۳۷۵، ۷۲). امام برای به فعلیت رساندن وظیفه یادشده به دست مردم دولت را موظف به آباد کردن زمین می‌نماید. از این رو در ابتدای نامه خود به مالک یکی از وظایف اصلی او را آباد کردن مصر برمی‌شمارد.

## ۵-۱-۲. تنظیم بازار و مبارزه با احتکار

احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی از مصادیق خشونت اقتصادی در یک جامعه است که دولت اسلامی در مقابله با آن مسئولیت دارد. احتکار به شدت به بدنه‌ی اقتصاد جامعه اسلامی ضربه می‌زند و همچنین دولت اسلامی را با مخاطره، بحران، فشار و سوء تدبیر مواجه می‌کند. «دخالت حکومت در جلوگیری از احتکار عقلا بر حکومت واجب است، هرچند روایات و سیره معصومین (ع) نیز مؤید آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ۴۲۶؛ بیهقی، ۱۴۱۹، ج ۹، ۳۵۴). نقل است «از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا از آن نهی فرمود... و هرگاه کسی بعد از نهی تو، به احتکار دست زد،

را به بازار عرضه کنند و بقیه محصول به نحو صحیح، از جمله نگهداری در سردخانه انبار گردد و به تدریج به موازات مصرف توزیع شود عملی خردمندانه خواهد بود.

### ۵-۱-۳. ممانعت از اخلاص اقتصاد

یکی از وظایف دولت اسلامی، ممانعت از اخلاص اقتصادی است. «هر عملی که منجر به خلل رسانیدن به یک نهاد اقتصادی شود به نحوی که مانع تحقق اهداف نظام اقتصادی گردد یا تحقق این اهداف را با مشکل مواجه سازد، اخلاص در نظام اقتصادی محسوب می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به یک قاعده در اقتصاد اشاره کرد که طبق آن رشد پول بایستی کمتر از رشد تولید باشد تا تورم به وجود نیاید. جرائم اقتصادی موجب اخلاص و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود» (ولیدی، ۱۳۸۶، ۸۱). برحسب اهمیت اخلاص در نظام اقتصادی و تهدید آن برای کلیت نظام است که در مواردی افساد فی‌الارض تلقی می‌شود. مطابق ماده ۴ قانون تشدید ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ در صورتی که مصداق مفسد فی‌الارض باشند مجازات آن‌ها، مجازات مفسد فی‌الارض خواهد بود و همین‌طور در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۷ در ماده ۲ آمده: «چنانچه جرائم مذکور در ماده ۱ به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام محکوم می‌شود».

احتکار دو چیز است. الف) نیاز مردم به کالای احتکار شده با این‌که فروشنده و عرضه‌کننده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای خود را تهیه کنند که در اصطلاح فقهی به آن شرط عدم باطل طعام گفته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۴۱۵). اگرچه حرمت احتکار بر اساس آنچه در روایات آمده و نظر مشهور هم همان است، فقط در غلات چهارگانه و در روغن حیوانی و روغن نباتی است که طبقات مختلف جامعه به آن نیاز دارند؛ ولی حکومت اسلامی هنگامی که مصلحت عمومی اقتضا کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند و اجرای تعزیر مالی بر محتکر در صورتی که حاکم صلاح بداند، اشکال ندارد (موسوی خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ۱۰۲۷).

باید توجه داشت که معیار در احتکار حرام ایجاد بازار سیاه است به گونه‌ای که موجب تضییق و دشواری مردم مسلمان فراهم گردد و گرنه در موارد فراوانی که عرضه بی‌رویه کالا چه بسا موجب تضییع و اتلاف ما، گردد نه تنها حرام نیست بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلایی است. مثلاً در هنگام به دست آمدن میوه در اواخر تابستان اگر باغداران محصول خویش را یک باره به بازار عرضه کنند، از آنجا که در آن فصل عوامل عرضه و تقاضا با یکدیگر تناسب ندارد، این عمل نتیجه‌ای جز ضایع شدن و از بین رفتن محصولات نخواهد داشت و عواقب سوء اقتصادی دیگری نیز پیامد آن خواهد بود زیرا به علت ضرر و زیانی که فروشندگان، به خاطر فروش جنس خود به بهای ارزان متحمل می‌شوند توازن اقتصادی نیز آشفته می‌گردد. درحالی‌که اگر در همان ایام به مقدار مایحتاج عمومی و فروش به نرخ عادلانه، متناسب با قیمت تمام شده و سود منصفانه، دسترنج خویش



البته در رویکرد دیگر می‌توان گفت صرف نظر از جرائم دسته‌بندی‌شده در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، عنصر رفتاری متهم به ارتکاب افساد فی‌الارض، همان رفتار اخلاص کلان در نظام اقتصادی است که در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۷ به آن‌ها تصریح شده است. همچنین برای شمول عنوان مفسد فی‌الارض تنها تحقق نتیجه مذکور در ماده ۲۸۶ کفایت می‌کند، چرا که قانون‌گذار پیش از این رفتارهایی که از طریق جرم اخلاص در نظام اقتصادی شمول عنوان افساد فی‌الارض قرار می‌گرفت را در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی مورد جرم انگاری قرار داده و برای آن مجازات افساد فی‌الارض را تعیین نموده است. اکنون با تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، دادرس دادگاه برای احراز تحقق افساد فی‌الارض، فارغ از رکن مادی و رفتار مجرمانه مذکور در این ماده، تنها نیازمند احراز عنصر نتیجه مذکور در انتهای ماده ۲۸۶ در پی ارتکاب جرم اخلاص کلان در نظام اقتصادی است.

با این‌وجود فارغ از ارکان جرم اخلاص در نظام اقتصادی در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور، به نظر تطابق رفتارهای مجرمانه با ماده ۲۸۶ لازم است، چراکه قانون‌گذار در ماده ۲۸۶ در مقام توسعه و تزییق تعاریف جرائم خاص سابق بوده است و اکنون با تصویب این قانون، برای شمول حد افساد فی‌الارض بر مرتکب، احراز رکن مادی و روانی مذکور در متن ماده لازم است. به دیگر عبارت، قانون‌گذار با تصویب قانون مجازات اسلامی به تبیین رفتار مجرمانه حد افساد

فی‌الارض پرداخته و از این پس صرفاً در صورتی که رفتار مجرمانه منطبق با افعال مذکور در صدر ماده ۲۸۶ باشد و نتایج مذکور در آن پدید آید، عمل مرتکب مشمول حد افساد فی‌الارض خواهد شد. بنابراین دادرس دادگاه می‌بایست در مقام رسیدگی، افزون بر عناصر مادی و روانی جرم اخلاص کلان در نظام اقتصادی کشور، عناصر مادی و روانی مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی را نیز احراز کند (برهانی، ۱۳۹۴، ۲۲۱). به نظر می‌رسد رویکرد اخیر تفسیری همسو با موازین حقوقی و مطابق با اصل قانونی بودن جرم و مجازات ارائه می‌دهد. «نکته قابل‌ذکری که در این مبحث باید به آن اشاره کرد، آن است که قانون‌گذار با ذکر عباراتی همچون «به قصد ضربه زدن به نظام» یا «به قصد مقابله به نظام» و یا «علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام»، این‌گونه به نظر می‌رسد که تحقق این انگیزه‌ها را برای افساد فی‌الارض محسوب شدن جرم اخلاص در نظام اقتصادی کشور لازم می‌داند» (سمیعی؛ حبیب زاده؛ صابر، ۱۳۹۵، ۳۹). عنوان افساد فی‌الارض همان‌گونه که ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی هم به‌درستی بیان نموده است، صرفاً ناظر به رفتارهای فساد آوری می‌باشد که جنبه گسترده و عمومی داشته و باعث اخلاص شدید در نظم عمومی یا ورود خسارات عمده به اموال عمومی و خصوصی گردد.

#### ۵-۱-۴. مبارزه با فساد اقتصادی

حکومت باید در جاهایی که لازم است در امور اقتصادی مردم دخالت کند (خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۴۸۸). حکومت در مواردی که ثبات و بسترسازی

برای پیشرفت اقتصادی ایجاد کند و جامعه را به رفاه معیشتی نسبی برساند واجب است (مالک، ۱۳۸۲، ۵۰). در روایت با این تعبیر آمده است که... و تقوم أسواقکم ... [با بودن زمامدار]، بازارهای شما ثبات می‌یابد (باباپور، ۱۳۸۰، ۳۱). این ثبات و قوام که در روایت آمده است در موارد مختلفی قابل تطبیق است. از جمله در مواردی که احقاق حقی در میان باشد. این احقاق و استیفای حق می‌تواند حق عمومی یک جامعه باشد یا حق شخصی افراد باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ۳۵۹). در این زمینه تلاش برای مبارزه با فساد اقتصادی و رانت و ویژه خواری از واجبات مهم است که بر عهده حکومت است. در دوران تحریم اقتصادی برای دور زدن تحریم ساختارشکنی‌های زیادی از روی ضرورت انجام می‌پذیرد. این ساختارشکنی هم در عرصه‌ی روابط اقتصادی خارجی اجتناب ناپذیر است و هم مقدماتی که در داخل دولت اسلامی برای آن تدارک دیده می‌شود. اساساً ساختارشکنی چه از روی ضرورت باشد و یا از روی ضعف نوعی آزادی بی‌قید و بند به همراه خود دارد. اولین آفت این موضوع بروز و گسترش فساد اقتصادی است. لذا ضرورتاً باید برای مقابله با فساد برنامه‌ای ویژه مطابق این برهه تعریف شود. اساساً فساد در هر زمینه‌ای باعث زوال اهداف و ناکارآمد شدن ابزارهای تحقق اهداف می‌شود. در زمینه اقتصادی این حساسیت بالاتر است زیرا اولاً برنامه‌های اقتصادی برای تحقق نیازمند طراحی راهبردهای دقیق هستند که فساد اقتصادی بی‌شک این دقت در طراحی را خدشه‌دار خواهد کرد، ثانیاً فساد در اقتصاد می‌تواند به فساد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دامن بزند و ثالثاً

اینکه معمولاً موجبات فساد اقتصادی فساد در زمینه‌های دیگر است. بارزترین نوع و مقدمه‌ی فساد در اقتصاد انحصارطلبی است. معادل عربی انحصارطلبی، واژه «استثثار» و به معنای «مقدم داشتن خود یا وابستگان و هواداران خود بر دیگران در تأمین نیازها و خواسته‌ها» است (ابن منظور، ۱۴۱۰، ۸). نکته قابل توجه اینکه انحصارطلبی ممکن است دو شکل داشته باشد: الف) انحصاری که تجاوز به حقوق دیگران نیست و تنها اقدامی است برخلاف ایثار که ارزشی اخلاقی است؛ ب) انحصاری که افزون بر مخالف بودن با ایثار، تجاوز به حقوق دیگران نیز هست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۲۰۸). ساختار انحصاری قدرت در دولت‌ها به عوامل حاکمیت امکان مداخله خودسرانه در فعالیت‌های اقتصادی را می‌دهد (محمودی، ۱۳۸۲، ۲۴۱). دسترسی به اطلاعات رانتی و طبقه‌بندی شده در کنار قدرت مذکور و در صورت غفلت دستگاه‌های نظارتی معمولاً فساد اقتصادی را به بار می‌آورد. لذا سطح اختیارات و میزان شفافیت و تفکیک حیطه مسئولیت مسئولین مستقیماً در فساد مالی تأثیرگذار است. به هر حال به لحاظ وظیفه حکومت در این زمینه شاخصی از سوی امیر مؤمنان(ع) ارائه شده است؛ ایشان در فرمایشی مالک اشتر را از انحصارطلبی اطرافیان منع می‌کند و می‌فرماید: «و ایاک و الاستثثار بما الناس فیه اسوه» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ۴۴۴) رو پرهیز از آنکه به خود اختصاص دهی، چیزی را که همگان را در آن حقی هست.» برخورد امیرمؤمنان با جریان‌های انحصارطلب (معاویه و عوامل حکومت شام) قابل تأمل و یک الگوی



«هنگامی که در اثر خیانت شدید به مردم قدرت یافتی در حمله سرعت نموده و زود برجستی و مانند گرگی که بی پروا، بز از پا افتاده را می‌رباید اموال آنان را که برای بیوه زنان و یتیمان خود اندوخته بودند و تو بر آن دست یافتی، ربودی و با گشادگی سینه بدون آنکه از گناه ربودن آن بپرهیزی آن را به سوی حجاز بردی. چگونه آشامیدنی و غذا را بر خود گوارا می‌داری در حالی که میدانی حرام می‌خوری و حرام می‌آشامی؟ پس از خدا بترس و اموال این گروه را به آنان بازگردان که اگر این کار را نکنی و خداوند مرا بر تو قدرت دهد همانا درباره‌ی تو نزد خدا عذر می‌آورم و با شمشیرم ترا می‌زنم، شمشیری که هیچ‌کس را به آن نزده‌ام مگر آنکه داخل آتش شده است به خدا قسم اگر حسن و حسین کاری که تو کردی انجام داده بودند، با آنان صلح و آشتی نمی‌کردم و از ناحیه‌ی من به خواسته‌ای نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آن‌ها بگیرم و باطل ناشی از ستم آنان را زایل سازم» (جرداق، ۱۳۷۳، ۲۵۱). مهم‌ترین دغدغه جامعه علوی در حکومت‌داری بحث چگونگی دریافت و هزینه کرد بیت‌المال و درآمدهای حکومت و جلوگیری از فساد در آن است. این حساسیت در تمامی طبقات و لایه‌های حکومت فارغ از وسعت منصب و مقدار مال در اختیار باقی است و بایستی به دقت عمل شود.

### ۵-۱-۵. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی و ایجاد چهارچوب در روابط مالی بین افراد جامعه مهم‌ترین عامل ایجاد امنیت است. حضرت علی(ع) در نامه به مالک اشتر به این نکته اشاره دارند که حفظ حقوق کارگران و طبقه‌ی نادار، بهترین نگهبان امنیت اجتماعی است (حجازی؛ مشایخ فریدونی، ۱۳۶۳، ۲۵۱). امام

رفتاری مناسب است: «اینک همت بر آن گماشته‌ایم که بر سر آن گروه بتازیم که در میان بندگان خدا برخلاف آنچه خداوند وحی فرموده رفتار کردند، عواید عمومی را به انحصار خود درآوردند...» (قحف منذر، ۱۳۸۴، ۱۴۷).

مواردی چون رشاه و ارتشاء، اخلال در نظام پولی و ارزی، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی و اخلال در نظام تولیدی کشور، جرائم مالیاتی و اخاذی، تقلب و کلاهبرداری، خیانت‌درامانت و طیف وسیعی از جرائم را در برمی‌گیرد (مقیمی، ۱۳۹۶، ۷۵۷۳). که باعث صدمه به اقتصاد کشور به ویژه در زمان تحریم‌های اقتصادی می‌شود. همان‌گونه اشاره شد رشوه از جمله مصادیق فساد اقتصادی است. در فقه بر مبارزه با رشوه تأکید شده است. شیخ انصاری می‌گوید: «رشوه حرام است و کتاب و سنت بر حرام بودن آن دلالت می‌کند» (انصاری، ۱۳۸۶، ۱۱۸). از دید برخی از فقها «اگر راشی برای احقاق حق واقعی خود رشوه دهد و تنها راه رسیدن به حق هم رشوه باشد اقدامش حرام نیست، درحالی‌که عمل مرتشی در این حالت حرام است» (حر عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ۱۶۲؛ نجفی، ۱۳۹۴، ج ۴، ۱۳۱). در مقابل نظر مورد اشاره، برخی دلیل حرمت رشوه را هر دو نوع اجماع دانسته‌اند (ذو‌المجدین، ۱۳۶۶، ۳۷). مرحوم آشتیانی نیز رشوه را مطلقاً حرام می‌داند (آشتیانی، ۱۳۶۲، ۳۸).

در سیره حضرت علی(ع) موارد متعددی در مبارزه با فساد وجود دارد. در قسمتی از نامه‌ای که امام (ع) آن را به یکی از فرمانداران خود که بیت‌المال را ربوده و به حجاز فرار کرده بود، نوشته است:

حداکثری منافع دنیوی و اخروی فرد و جامعه است. از منظر اسلام، عمران و آبادانی اقتصادی مبتنی بر عدالت است (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ۶۸، ۹۵۴۳) و موجب پایداری نظام اجتماعی و سیاسی است با عدالت زندگی مردم قوام یافته و همچنین موجب پیروی از سنت و روش الهی و استحکام و پایداری دولتهاست (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ۴۰۳، ش ۶۵۹۶؛ ج ۱، ۱۸۳ ش ۶۷۹) و با حاکمیت عدالت زندگی مردم سامان می‌یابد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ۲۰۶، ش ۴۲۱۵). و برکات فزاینده را به دنبال دارد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ۲۰۵ ش ۴۲۱۱) در این صورت درآمدهای کافی برای زندگی آبرومندانه خواهند داشت و بی‌نیاز و شادکام می‌شوند چنانچه در روایتی از امام موسی کاظم (ع) عدالت شیرین‌تر از عسل دانسته شده است (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۱، ۵۴۲) بدین ترتیب در نظر اسلام عدالت معیار بی‌بدیل بنیان‌ها و نهادهای اجتماعی است و هر جامعه‌ای برای پایداری و شکوفایی باید بر اساس عدالت شکل بگیرد. اگر پذیرفته شود کارایی به معنای مؤثرترین استفاده از منابع تولیدی معین نیروی کار مواد اولیه ماشین‌آلات و...) دانسته شود آنگاه می‌توان نقطه افتراق میان دیدگاه‌ها را در تبیین واژه مؤثرترین دانست بر اساس اینکه کدام نوع استفاده از منابع ما را به بهترین نحو به هدفمان می‌رساند مؤثرترین استفاده نیز معنا می‌شود. در این صورت هدف و چگونگی دستیابی به آن در معنای کارایی بیشترین نقش را دارد. اما شرط رسیدن به هدف نهایی برپایی قسط و عدالت در جامعه است (حدید، ۲۵). و از این‌رو گفته می‌شود عدالت بستر همه فضایل است با برپایی عدالت منابع و مواهب میان همه مردم به گونه‌ای توزیع می‌شود که امکان حرکت به سوی هدف فراهم شود.

(ع) می‌فرماید: خداوند سبحان، آدم را در خانه‌ای سکنی بخشید که زندگی‌اش را در آن پر نعمت و گوارا کرده بود و جایگاه او را امن و امان قرار داده بود». به این ترتیب، دور کن اصلی زندگی که امنیت و وفور نعمت است در آن خانه جمع بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ۱۹۹). رفاهیه العیش فی: الأمن زندگی آسوده در امنیت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۴۳)، شر الأوطان مالم یأمن فیه القطان بدترین جاها جانی است که ساکنانش در آن امنیت نداشته باشند (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۴۴۶). شر البلاد بلد لاأمن فیه ولاخصب. بدترین شهرها، شهری است که امنیت و ارزانی در آن نباشد (ناظم زاده قمی، ۱۳۷۵، ۶۰۳). همین امنیت است که عامل اصلی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای هدف است. امروزه یکی از مهم‌ترین صنایع درآمدزا برای کشورهای دنیا صنعت گردشگری است. درآمد کشور پرتقال از گردشگر، از درآمد نفتی ایران بیشتر است. ایران با داشتن پتانسیل‌های منحصر به فرد در دنیا نتوانسته است در این صنعت سهم زیادی را به خود اختصاص دهد. البته به‌جز مسئله امنیت، توجه به زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی جذب گردشگر نیز انجام نشده است. ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و شرایط ثبات در بازار از مهم‌ترین دلایل سرمایه‌گذاری است. امنیت اقتصادی یعنی فرد در شرایط مساوی، با رقیبان دارای شرایط مساوی و عادلانه در نگاه زمامداران باشد و با نگاه نابرابر در بازار دچار از دست دادن فرصت‌ها و ضرر و زیان نگردد.

### ۵-۱-۶. عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی از جمله اهداف نظام اقتصادی اسلام است و در واقع ابزاری برای تحقق هدف عالی می‌باشد که رفاه، سعادت و یا سرجمع

۳۶۳)، و یا عاطل نمانده و ائتلاف نشوند. اکنون در نظر آوریم که در نگرش اسلام همه چیز در جایگاه خود باید قرار گیرد تا عدالت برقرار شود. به دیگر سخن انواع استفاده‌هایی که با عدالت ناسازگارند استفاده‌های نادرست تلقی می‌شوند. بنابراین، علاوه بر اینکه باید از همه منابع و امکانات استفاده کرد و هیچ فرصت و امکانی را مهمل قرار نداد استفاده از منابع نیز باید در چارچوب تأمین عدالت باشد. در این صورت رشد و پیشرفت همگام با عدالت خواهد بود در این نوع نگرش، آن نوع از عمران و آبادی پایدار نخواهد ماند که مبتنی بر عدالت نباشد (روم، ۹).

در رویکرد، اسلامی کارایی تنها به حداکثر سازی تولید کالاها و خدمات با استفاده از منابع موجود معطوف نیست و فقط رشد اقتصادی را دنبال نمی‌کند در این نگرش رشد و رفاه ناشی از حداکثر سازی تولید در صورتی پایدار خواهد بود که مبتنی بر شرایط عادلانه به دست آید. در نظر اسلام رشد اقتصادی صرف نمی‌تواند پایدار باشد و به همین دلیل مطلوب هم نیست. آیه ۹ از سوره شریفه روم هشدار می‌دهد که پیش از این‌ها کسانی بوده‌اند که عمران و آبادی و قدرتشان بیشتر بوده است؛ اما نتوانستند مانع نابودی خود شوند و به خاطر ظلمشان از بین رفته‌اند.

این آیات به بیان جوامعی که دارای عمران و آبادی بوده و قدرت اقتصادی‌شان بیش از دیگران بوده؛ اما دچار کفر و در نتیجه ظلم بوده‌اند نابود شده‌اند بی‌گمان این آیات درصدد تخطفه عمران و آبادی نیستند؛ بلکه بیانگر این نکته مهم است که عمران و آبادی بدون عدالت واقعی پایداری را تضمین نمی‌کند بدین ترتیب پیشرفت اقتصادی و رشد تولید کالا و خدماتی می‌تواند

در دیدگاه اسلامی که عدالت اساس و پایه‌ای برای ساختارهای اجتماعی است کارایی در راستای این ساختار معنا می‌شود و بنابراین هر فعالیت تحکیم‌بخش عدالتی که در درون ساختارها روابط اجتماعی انجام شود می‌تواند برای رسیدن به کارایی ارزیابی شود. به دیگر سخن عادلانه بودن فعالیت شرط لازم برای کارایی است؛ البته بنابراین معنا که عدالت قرار دادن هر چیزی به جای خود، است کارایی محصول فعالیت‌های تماماً عادلانه هم هست. در این نگرش که کارایی به معنای مؤثرترین استفاده از همه منابع و امکانات برای رسیدن به عدالت است کارایی در اقتصاد اسلامی تفاوت ماهوی با کارایی در اقتصاد متعارف خواهد داشت. این رویکرد به کارایی با اندیشه و رویکرد نظام‌مند به اقتصاد اسلامی کاملاً سازگار است؛ زیرا در تفکر نظام‌مند همه اجزا و منابع باید در راستای نیل به هدف سامان یابند و به دیگر سخن، ساختار و ترتیبات اجتماعی بر آن پایه قرار داده شود. در این حالت، تنافی و یا تعارضی میان عدالت و کارایی معنا ندارد، همچنین تخصیص کارای منابع به معنای تخصیص عادلانه منابع خواهد بود و در این صورت عدالت امری پسینی نسبت به کارایی نبوده و مقدم بر کارایی و مقوم معنای کارایی می‌باشد.

گفتنی است که در کارایی افزون بر استفاده درست از منابع عدم معطلی و یا هدر رفت منابع نیز وجود دارد در اندیشه اسلامی این جنبه از مفهوم کارایی را می‌توان در معنای شکر ملاحظه کرد. شکر در فرهنگ اسلامی به معنای این است که نعمت‌های الهی، و به تعبیر اقتصادی منابع تولید کالاها و خدمات در راهی که به خاطر آن آفریده شده‌اند مورد استفاده قرارگیرند و در راه‌های دیگر استفاده نشده (مطهری، ۱۳۹۵، ۳۶۲-)

بسیار بالاتر، سخاوتمندانه‌تر و شرافتمندانه‌تر از انواع بیمه‌ها و نظام‌های تأمین اجتماعی رایج در کشورهای پیشرفته تأمین می‌شوند» (عسل، ۱۳۷۸، ۸۵). برنامه‌های تأمین اجتماعی حکومت علوی چنان گسترده بود که هیچ‌کس در کوفه به سر نمی‌برد - حتی از پایین‌ترین طبقات مردم - مگر این‌که از گندم (خوراک)، مسکن و آب فرات بهره‌مند بود.

در نظام حقوقی ایران، سازمان تأمین اجتماعی در جهت حمایت از کارگران و ارائه خدمات در زمینه بازنشستگی، بیمه بیکاری، درمان و مواردی از این دست در سال ۱۳۳۱ به عنوان یک سازمان بیمه‌گر ایجاد شده است. امروزه بیمه تأمین اجتماعی جمعیتی در حدود ۴۲ میلیون نفر را در قالب بیمه اجباری و یا بیمه خویش‌فرما تحت شمول خود قرار می‌دهد. هر یک از افراد جهت اینکه تحت پوشش این بیمه قرار گیرند می‌بایست شرایط و قوانین سازمان تأمین اجتماعی را رعایت کنند. هم‌زمان با احداث راه‌آهن اولین قوانین در خصوص کار و حمایت از کارگران شکل گرفت و در سال ۱۳۰۱ با تصویب قانون استخدام کشوری مفهوم بازنشستگی در کشور ما برای نخستین بار بیان شد. مدتی بعد از آن با تصویب رسیدن اولین قانون کار اجمالی و ایجاد صندوق بهداشت و تعاون کارفرمایان مکلف به رعایت قوانین بیمه کارگران شدند. این قوانین در گذر زمان بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته و تکامل یافته‌تر شدند تا آنجا که در سال ۱۳۳۱ اعلامیه تأسیس سازمان بیمه تأمین اجتماعی صادر شده و در سال ۱۳۵۸ سازمان تأمین اجتماعی با تشکیلاتی که امروز شاهد آن هستیم، احیا شده و آغاز به کار کرد. به طور کلی امروزه سازمان بیمه تأمین اجتماعی جمع کثیری از اقشار جامعه را تحت پوشش بیمه

رفاه پایدار را به همراه داشته باشد که بر پایه عدالت شکل گرفته باشد.

## ۵-۲. مسئولیت دولت در تأمین رفاه

### شهروندان

#### ۵-۲-۱. تأمین اجتماعی

یکی از مسؤولیت‌هایی که اسلام بر عهده تمام مسلمانان به ویژه دولت گذاشته، تأمین نیازهای ضرور افراد است که به علل گوناگون یا درآمدی ندارند یا درآمدشان برای تأمین زندگی کافی نیست. امام علیه‌السلام ضمن سفارش به مالک اشتر نسبت به افراد تهیدست، می‌فرماید: «برای رضای خدا آنچه را که از حق خود درباره ایشان به تو امر فرموده به جا آور و قسمتی از بیت‌المال که در دست داری و قسمتی از غلات و بهره‌هایی که از زمین‌های غنیمت اسلام به دست آمده در هر شهری برای ایشان مقرر دار» (سیدرضی، ۱۴۱۴، نامه ۲۵). در روایتی از آن حضرت آمده است: «هر کس مالی بر جای نهد، از آن وارثانش خواهد بود و هر کس باری بر جای نهد، ما آن را بر خواهیم داشت» (عسقلانی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ۴۴۲). «به سبب وجود این، روایات، فقیهان اسلام تأمین نیازمندی‌های ناتوانان و درماندگان را در حد کفایت به عهده دولت می‌دانند» (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ۱۳۰). «تهیه داروی فقیران و بیماران و درمان آن‌ها، تهیه کفن مردگانی که مالی ندارند هزینه کودکان بی‌سرپرست رها شده هزینه کسی که از کار ناتوان است و کسی را نیز ندارد که نفقه‌اش بر او واجب باشد از محل بیت‌المال است» (کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۹، ۹۶). به اعتقاد برخی از اقتصاددانان: «اگر نظام اقتصادی اسلام به معنای درست خود اجرا شود، کودکان و یتیمان بی‌سرپرست نیازمندان و بدهکاران و در راه ماندگان

باران را به عنوان سفیری به انسان یادآور می‌کند که امنیت غذایی را برایش به ارمغان آورد.

در آیات ۱۰ و ۱۱ از سوره مبارکه، نحل خداوند ابتدا می‌فرماید: «او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاد، آبی حیات، بخش زلال و خالی از هرگونه آلودگی که شما از آن می‌نوشید و نیز گیاهان و درختانی از آن به وجود می‌آید که حیوانات خود را در آن چرا می‌دهید؛ سپس این مسئله را این‌گونه ادامه می‌دهد به وسیله آب باران برای شما زراعت می‌رویند و نیز زیتون و نخل و انگور را و خلاصه از تمام میوه‌ها من کل ثمرات در اینجا زرع هرگونه زارعتی را شامل می‌شود زیتون هم نام آن درخت‌ها «من جمع مخصوص است و هم میوه آن نخل هم به معنای مفرد و هم به معنای استعمال می‌شود، اعناب جمع عنبه به معنی انگور است.

همان‌گونه که امنیت غذایی سنگ بنای یک جامعه توسعه یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی آن جامعه به شمار می‌رود نامنی غذایی نیز سرمایه‌های اجتماعی و معنا و مفهوم هنجارها و ارزش‌های انسانی و دینی را شدیداً کاهش خواهد داد و آموزه‌های دینی و ملی ما نیز صراحتاً بر این امر صحه می‌گذارند که؛ هرکجا فقر از در وارد شود هنجارها و ارزش‌های دینی از پنجره بیرون می‌روند. بنابراین دولت اسلامی موظف به تأمین امنیت غذایی است و این امر مستلزم تولید مکفی توزیع عادلانه و مصرف صحیح مواد غذایی در سطح کلان می‌باشد.

### ۵-۲-۳. آموزش

امیرالمؤمنین یکی از حقوق مردم بر حاکم اسلامی را علم‌آموزی می‌داند: «ای مردم مرا بر شما حقی و شما را بر من حقی است: اما حقی که

تأمین اجتماعی قرار داده و این بیمه به منظور ایجاد امنیت شغلی و حمایت از کارگران مطابق با استانداردهای سازمان بین‌المللی کار ایجاد شده است.

### ۵-۲-۲. امنیت غذایی

اهمیت نقش‌آفرینی دولت اسلامی در امر، تولید توزیع و مصرف مواد غذایی، لزوم سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی را به منظور تحقق این مهم دوچندان می‌سازد و در این خصوص می‌توان برخی آیات قرآن را مورد توجه قرارداد. قرآن در آیات بسیاری به سازوکارهای مختلف برای ایجاد امنیت غذایی اشاره کرده و از آن جمله در مسئله مدیریت آب دو عبارت صریح راجع به صرفه‌جویی آب و مدیریت تقاضا دارد اول این که منابع آب ثابت است؛ و آن خدایی که از آسمان به‌قدر و اندازه نازل می‌کند...» (زخرف، ۱۱) و ثانیاً؛ در مصرف آب نباید اسراف شود؛ «از نعمت‌های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد (اعراف، ۳۱) و در داستان یوسف به چگونگی مدیریت تولید و داشت و برداشت می‌پردازد و به شیوه و روش انبار کردن غلات برای مدت‌های طولانی چون هفت سال اشاره می‌کند (یوسف، ۳۴ تا ۸۴). در این آیات به سیلو کردن گندم همراه با پوسته آن اشاره شده است که موجب دوام و حفظ غلات تا زمانی طولانی می‌شود.

بنابراین برخورداری از غذای کافی از جمله حقوق اولیه انسان است و محروم شدن افراد از این حق به واسطه اقدامات، انسانی نوعی اجحاف در حقوق انسانی است خداوند در خصوص امنیت غذایی و مهیا نمودن رزق و روزی برای آحاد و نوع بشر

امنیت می‌شمرد که به‌ضرورت عقلی قابل‌درک است. هرچند دلیل شرعی برای اثبات آن وجود دارد اما با وجود این درک عقلی نیازی به نص شرعی برای اثبات آن نیست (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۶۲۰). شهید ثانی نیز آموزش علوم می‌مانند پزشکی و صنایع و مهارت‌هایی نظیر پارچه‌بافی و خیاطی را از آن جهت واجب کفایی می‌داند که جامعه بدان نیازمند است (شهید ثانی، ۱۴۰۵، ۲۲۸).

این قسم از واجبات را فقها واجبات «نظامیه می‌نامند این علوم و صنایع و حرفه‌ها در حفظ نظام اجتماعی نقش داشته و عدم تأمین آن‌ها موجب اختلال در حیات اجتماعی می‌شود. بر اساس این برخی از امور که به لحاظ شخصی ذاتاً مستحب هستند؛ مانند قضاوت با لحاظ ضرورت‌های اجتماعی بالعرض واجب می‌شوند (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۰، ۴۰). زیرا نظام اجتماعی بشر بر آن متوقف است (طباطبایی، ۱۴۲۲، ج ۱۵). فقها درباره علوم نیز به وجوب عرضی برخی از آن‌ها توجه کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۹۴). با دیدن مثال‌های فقها از علوم و صنایع آشکار می‌شود که واجبات»، تنها بر اساس مصالح اخروی واجب نشده‌اند و اقتضائات زندگی اجتماعی نیز در آن‌ها مؤثر است. از نظر فقها اغراض دینی دایره گسترده‌تر داشته و همه نیازهای زندگی فردی و اجتماعی بشر را شامل می‌شوند. به دیگر سخن آموزش و پرورش افزون بر آنکه حق «فرد» است، یک ضرورت اجتماعی نیز می‌باشد (سروش محلاتی، ۱۳۸۳، ۱۰۱).

دولت اسلامی چه به لحاظ مسئولیت در حمایت از حقوق افراد و چه به لحاظ مسئولیت در تأمین نیازهای جامعه در مقابل آموزش و پرورش مسئول است. البته نقش دولت اسلامی همواره به

شما بر من دارید نصیحت کردن به شما است (ترغیب به اخلاق پسندیده و بازداشتن از گفتار و کردار ناشایسته) و رساندن غنیمت و حقوق به شما است به تمامی (از بیت‌المال مسلمین بدون اینکه بگذارم حیف‌ومیل شود) و یاد دادن به شما است (از کتاب و سنت آنچه را که نمی‌دانید) تا نادان نمانید، و تربیت نمودن شما است (به آداب شرعی) تا بیاموزید (و بر طبق آن رفتار نمائید)» (شریف رضی، ۱۴۱۴، خ ۳۴)؛ در این بیان می‌فرمایند تعلیم مردم برای اینکه از جهالت خارج شوند. به دیگر سخن علم را در مقابل جهل قرار دادند؛ چنانچه در جمله بعد ادب‌آموزی را به معنای عالم شدن قرار می‌دهند در نتیجه خروج از جهل و نادانی چه در علوم مربوط به اصول و فروع دین و چه علمی که برای زندگی بهتر در دنیا لازم است از وظایف دولت اسلامی است. به دیگر سخن با اینکه در فرازهای قبل علم‌آموزی بر مردم واجب دانسته شد؛ اما موضوع به همین مقدار پایان نمی‌پذیرد و به موازات تشویق و ترغیب مردم به تلاش برای تحصیل علم در این بیان دولت نیز موظف به تعلیم مردم دانسته می‌شود.

گذشته از مطالب یادشده دستیابی به اهداف دیگری در نظام اسلامی به ترویج و توسعه علم در جامعه اسلامی وابسته است و به دیگر سخن آموزش و پرورش ابزاری برای دستیابی به اهدافی مهم در نظام اسلامی و بنابراین مقدمه‌ای برای تحقق این اهداف بوده و دولت نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.

این نوع نگرش در میان فقها وجود دارد. امام خمینی که دارای بینشی جامع‌تر نسبت به مسائل حکومتی بود آموزش و پرورش را از اهداف حکومت می‌دانست و آن را از قبیل حفظ نظم و



امضای معصوم بر یک سیره عقلایی به آن حجیت می‌بخشد.

همچنین در ادبیات فقهی و روایی شیعه باب مبسوطی با عنوان «النصیحه لأئمه المسلمین» وجود دارد که مباحث فراوانی در آن مطرح شده است، اما آنچه از کلیت این دسته از روایات و شواهد تاریخی به دست می‌آید، اهمیت موضوع نظارت بر دستگاه‌های اجرایی حکومت اسلامی و قرار گرفتن عملکرد مسئولان آن در حوزه دید و نظر مردم است. آیت الله خمینی در پاسخ به سؤالی درباره ویژگی حکومتی که در پی آن می‌باشند، می‌فرماید: «این حکومت در همه مراتب خود متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ۱۶۰). به عبارتی آیت الله خمینی نیز بارها بر ضرورت انتقاد و نقش مهم دقت و مراقبت مردم بر رفتار مسئولان تأکید داشتند و می‌فرمودند: هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمانان را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده‌ای بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبه‌خود از مقام زمامداری معزول گردد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ۴۸۷). موارد مذکور نمونه‌های کوچکی از انبوه توصیه‌ها و رهنمودهای دین اسلام نسبت به حق نظارت و انتقاد مردم از مسئولان در حکومت اسلامی است که ملاحظه آن تردیدی در وجود و اهمیت کلیدی این حق بنیادین باقی نمی‌گذارد.

#### ۵-۲-۴. امنیت فرهنگی

امنیت به سبب ارزش و جایگاه عظیم آن در زندگی. هر انسانی، عظیم‌ترین نعمت الهی دانسته

معنای تصدی‌گری آن در همه شرایط و مراحل نیست در شرایطی که خانوارها با برنامه‌ریزی درست تعلیم و تربیت فرزندان را عهده‌دار شوند، دولت تنها وظیفه برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری و حمایت و پشتیبانی از آموزش و پرورش را دارد. در مواردی نیز که خانوارها امکانات کافی برای آموزش فرزندان در اختیار ندارد دولت موظف است که شرایط لازم را برای آنان فراهم آورده و از حقوق آنان حمایت کند؛ اما در مواردی که خانوارها و بخش خصوصی به نحو مطلوب آموزش را تأمین مالی نمی‌کنند دولت مسئولیت مستقیم دارد و موظف است برای مصلحت جامعه آموزش و پرورش را متصدی نماید و بنیان‌های لازم را برای آن فراهم کند.

#### ۵-۲-۴. نظارت بر ارائه خدمات

در طول تاریخ عقلا مردم را در نظارت بر رفتار حاکمان ذی‌حق می‌دانسته‌اند و نظارت بر آنان را امری پسندیده می‌دانستند این سیره همچنان ادامه دارد و نظارت مردم بر عملکرد و تصمیم‌گیری‌های حکومت را می‌ستایند. امیر مؤمنان وقتی مالک اشتر را به عنوان والی مصر منصوب نمود به او یادآوری کرد: «مردم به وضع تو به همان صورت می‌نگرند که تو به حاکمان پیش از خود می‌نگریسته‌ای و همان را در حق تو می‌گویند که تو درباره حاکمان گذشته‌ی مصر می‌گفته‌ای؛ و همانا شایستگان را به ذکر خیری که خداوند بر زبان بندگانش جاری می‌کند می‌توان شناخت» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ن ۳۵) حضرت در این نامه نظر مردم را ملاک تشخیص عملکرد حاکمان معرفی نموده است و لذا حضرت این سیره عقلا را تمجید و امضاء نموده‌اند و

همین رو با توصیف مکه به شهر امن وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ و قسم به این شهر امن و امان (تین، ۳) بر اهمیت امنیت توجه می‌دهد. همچنین خداوند شهر و جامعه نمونه را جامعه‌ای می‌داند که دارای امنیت فراگیر و جامع باشد و مردم در آن با اطمینان و آرامش و آسایش زندگی کنند. در حقیقت خوشبختی جوامع به آرامش و آسایش است: «و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکم فرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید» (نحل، ۱۱۲).

خداوند در تبیین ویژگی‌های شریعت اسلام به این نکته توجه می‌دهد که اسلام مردم را به برقراری صلح و امنیت اجتماعی دعوت می‌کند و خود در ایجاد و گسترش آن تلاش دارد. این مسئله بیانگر اهمیت و ارزشی است که امنیت در فرهنگ اسلام دارد. از دیدگاه رسول گرامی اسلام (ص) امنیت یکی از چهار نعمتی است که با آن نعمت‌های الهی کامل می‌شود. ایشان می‌فرماید هر کس شب و روز خود را سپری کند و از سه چیز برخوردار باشد، نعمت دنیا را کامل دارد: «کسی که بام و شامش را در تندرستی و امنیت و آسایش خاطر بگذراند و خوراک روزانه خود را داشته باشد. حال اگر چهارمین نعمت را هم داشته باشد، نعمت دنیا و آخرت بر او کامل شده است و آن نعمت اسلام است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ۱۴۸). از نظر آموزه‌های اسلامی فقدان امنیت بدترین کمبودها در زندگی بشر است و انسان باید برای تأمین آن تلاش کند و عوامل آشکار و نهان آن را شناسایی و در جستجوی تحقق آن به این عوامل تمسک کند. از این رو فقدان آن و عدم تلاش شخص یا جامعه برای تأمین آن مورد نکوهش قرار گرفته است.

شده است. آثار و برکاتی که برای امنیت بیان شده و می‌شود، خود بهترین شاهد در اهمیت و ارزش امنیت و آرامش در زندگی بشر است. البته انسانی که گرفتار ترس و مصیبت و فقدان امنیت شده باشد قدر، امنیت عافیت و سلامت را خوب می‌داند و تلاش می‌کند تا دمی بدون آن زیست نکند از این رو امنیت را از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی برشمرده‌اند.

خداوند درباره امنیت عام و فراگیر به‌عنوان یکی از نعمت‌های بزرگ، به امنیت در جغرافیای سرزمینی سبا اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و میان آنان و آبادی‌هایی که در آن‌ها برکت نهاده بودیم شهرهای متصل به هم قرار دادیم و در میان آن‌ها مسافت را، به اندازه، مقرر داشتیم. در این راه‌ها شب‌ها و روزها با امنیت و آسوده خاطر بگردید و ما به میان آن‌ها و شهرهایی که پر نعمت و برکت گردانیدیم باز قریه‌هایی نزدیک به هم قرار دادیم بافاصله کوتاه و سیر سفری معین (و آن‌ها را گفتیم که در این ده و شهرهای نزدیک به هم شبان و روزان با ایمنی کامل مسافرت کنید» (سبا، ۱۸).

خداوند در آیات قرآن بر اهمیت و ارزش امنیت تأکید بسیار داشته و به قریش این منت را می‌گذارد که ایشان را از نظر اقتصادی و جانی در امنیت قرار داده است: «همان خدایی که به آن‌ها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطراتشان ایمن ساخت (قریش، ۴). از نظر قرآن بهترین مک آن‌ها جایی است که امنیت در آن حاکم باشد و مردم از نظر اقتصادی نیز تأمین باشند «بر ایشان حرمی امن قرار ندادیم که به این مکان بی‌آب و گیاه انواع نعمت‌ها و ثمرات که ما روزی‌شان کردیم از هر طرف بیاورند؟» (قصص، ۵۷). از

## ۶. نتیجه‌گیری

در هر نظام مدیریتی آنچه مورد توجه و رضایت مردم قرار دارد، کارآمدی و خدمت‌رسانی مطلوب است. اساس تشکیل نهادها و بالاتر از آن خود حکومتها برطرف ساختن نیازهای مردم برای برخورداری از یک زندگی اجتماعی سالم است. هر چند دولت اسلامی وسیله‌ای برای هدایت جامعه به سوی کمال و معنویت است، با این حال ازم است در تنظیم ترتیبات و سیاست‌های اقتصادی جامعه، رعایت مصالح و مفاسد واقعی مترتب بر این دخالت‌ها را مورد توجه قرار دهد. براساس اصل لزوم اقامه عدالت اقتصادی در جامعه، که مشتمل بر تحقق عدالت در تولید، مبادله، مصرف و توزیع می‌شود، در الگوی ایده‌آل اقتصاد اسلامی، نقش دولت در ایجاد توازن نسبی و نیز هدایت و مدیریت اقتصادی، در هر چهار حوزه مذکور می‌باشد و بیش از آن نقش دولت در نظام اقتصادی بسیار محدود و صرفاً به منظور ایجاد امکان و رفع موانع در مسیر تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود. بررسی منابع فقهی حاکی از آن است که دولت اسلامی و نهادهای برآمده در نظام اسلامی برای رفع نیازهای مردم و همچنین سامان بخشیدن به نظم عمومی و رفاه جامعه شکل می‌گیرد. یک اصل مهم در اقتصاد اسلامی، تصرف در نعمت‌های خدادادی، فراهم‌سازی زمینه تولید است. موضوع مهم و مورد تأکید در رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام، تحقق عدالت اجتماعی است. به عبارتی تأمین رفاه و نیازهای اقتصادی شهروندان، توأم با عدالت اجتماعی مطرح شده است. از منظر فقه اسلامی از عدالت اجتماعی نه‌تنها در سوی دیگر از رشد و توسعه قرار ندارد، بلکه در کنار و ملتزم با آن‌ها نیز می‌باشد. در نظام اقتصادی اسلام، اهدافی بالاتر از رشد و توسعه

مادی در زندگی و فعالیت‌های انسانی مدنظر قرار می‌گیرد. حکومت اسلامی رسالت خود را در برقراری عدالت می‌داند و حکومت در اسلام اساساً با چنین اهدافی، معنی می‌یابد. حاکم اسلامی موظف است در برقراری عدالت، به رفع نیازهای فقیران و اداره جامعه‌ای به دور از تبعیض و استضعاف، قیام کند و با اقتدار به اصلاح ساختاری و تصحیح کارکردهای فاقد کارایی و غیرعادلانه مبادرت نموده، با متخلفین از شرع اسلامی و حقوق مردمان برخورد نماید و برکت، عمران و آبادی را در سایه عدالت به ارمغان آورد. مکتب اقتصادی اسلام با پذیرش معیار نیاز که بر حق حیات و حق معاش برای همگان مبتنی است، تداوم فقر را تحمل نمی‌کند و به شدت با آن مبارزه می‌کند. این مکتب با ایجاد نهادها و سازوکارهای اقتصادی کارآمد ابتدا به حقوق مردم در زمینه فرصت‌های برابر توجه کرده تا مردم در آغاز خط مسابقه برای افزایش درآمد و دارایی در وضعیت برابر و غیر تبعیض‌آمیز باشند آنگاه به مسیر تولید پایدار توجه خاص می‌کند، سپس به توزیع عادلانه درآمدهای ناشی از تولید عنایت دارد و در مرحله آخر به توزیع مجدد درآمدها برای حذف فقر مطلق می‌پردازد.

## ۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

## ۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

## منابع فارسی

- ذوالمجدین، زین‌العابدین، فقه و تجارت، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- سروش محلاتی، محمد، «مسئولیت حکومت اسلامی در آموزش و پرورش رسمی»، نشریه تربیت اسلامی، شماره پنجم، ۱۳۸۳.
- سمیعی زنوز، حسین؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ صابر، محمود، «اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق کیفری ایران»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره یازدهم، ۱۳۹۵.
- شفیع‌زاده، منصور، نگاهی دوباره به اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی (ره)، چاپ دوم، تهران، نشر مدرس، ۱۳۷۳.
- شیخی مهرآبادی، علی، «نقش دولت در اقتصاد اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره صد و شانزدهم، ۱۳۸۶.
- صدر، شهید محمدباقر، اقتصادنا، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق و آزادی‌های اساسی در اسلام و قانون اساسی، فقه سیاسی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- فیض الاسلام، علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، جلد پنجم، چاپ اول، تهران، نشر سپهر، ۱۳۶۵.
- انصاری، مرتضی، مکاسب، چاپ چهارم، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- آشتیانی، میرزا محمدحسن، کتاب القضاء، چاپ اول، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۲.
- باباپور، محمدمهدی، درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج‌البلاغه، چاپ اول، قم، عصر ظهور، ۱۳۸۰.
- برهانی، محسن، «افساد فی‌الارض، ابهام مفهومی، مفاسد علمی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ ق.م.ا)»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره دوم و سوم، ۱۳۹۴.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران، نشر دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- جرداق، جورج، بخشی از زیبایی‌های نهج‌البلاغه، چاپ اول، تهران، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۷۳.
- جرداق، جورج، شگفتی‌های نهج‌البلاغه، چاپ اول، تهران، چاپ بعثت، ۱۳۷۳.
- حجازی، فخرالدین؛ مشایخ فریدونی، محمدحسین، یادنامه دومین کنگره نهج‌البلاغه، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی و بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۳.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ اول، قم، نشر مشهور، ۱۳۷۹.

- قحف منذر، «مروری بر الگوهای اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره بیستم، ۱۳۸۴.
- مالک، محمدرضا، «وظایف و مسؤولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره دوازدهم، ۱۳۸۲.
- محمدی ری‌شهری، محمد، دانشنامه میزان الحکمه، چاپ دوم، قم، مؤسسه دار الحدیث، ۱۳۸۴.
- محمودی، وحید، «فساد اقتصادی و توسعه»، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره یکصد و هشتاد و نهم و یکصد و نودم، ۱۳۸۲.
- مصلی نژاد، عباس، «سیاست‌گذاری اقتصادی و مسؤولیت اجتماعی دولت»، مجله سیاست، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۱.
- مطهری مرتضی، مجموعه آثار، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات صدرا، ۱۳۹۵.
- مقیمی، مهدی، «مطالعه حقوقی- جرم شناختی جرائم اقتصادی با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره دوم، ۱۳۹۶.
- مکارم شیرازی ناصر، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
- موسوی خمینی، روح‌الله، توضیح المسائل (محشّی)، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴.
- موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
- موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، جلد هجدهم، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- ناظم زاده قمی سید اصغر، جلوه‌های حکمت، چاپ دوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- منابع عربی:**
- ابن منظور، محمد بن المکرم المصری، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۰.
- آمدی، عبدالواحد بن تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، جلد اول و چهارم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۶۶.
- بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری (باشراف مکتب البحوث والدراسات)، جلد نهم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹.

- حر عاملی، محمدحسین، وسایل الشیعه، جلد هجدهم، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳.
- حر عاملی، محمدحسن، الوسائل الشیعه، جلد هفدهم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۲.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، (تصحیح صالح صبحی)، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
- شهید ثانی، زین الدین، منیه المرید، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵.
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، جلد پانزدهم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۲.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد هفتم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد شانزدهم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۸.
- عسقلانی، احمد بن حجر، فتح الباری (شرح صحیح البخاری)، جلد یازدهم، قاهره، دارالذیان للتراث، ۱۴۰۷.
- عسل، ابراهیم، توسعه در اسلام، چاپ اول، تهران، نشر وابسته به آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
- کاشانی، ابوبکر، بدایع الصنایع، جلد نهم، پاکستان، مکتبه الحبیبیه، ۱۴۰۹.
- کلینی، محمدبن یعقوب، فروع الکافی (کتاب المعیشه)، جلد پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- کلینی، محمدبن یعقوب، فروع الکافی، (کتاب المعیشه)، جلد هشتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، جلد اول، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار (ع)، جلد سی و سی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
- موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، جلد دوم، چاپ چهارم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، جلد سوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۵.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ سوم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۳.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد چهارم، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۴.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستندالشیعه، جلد اول، مشهد، انتشارات آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷.



